



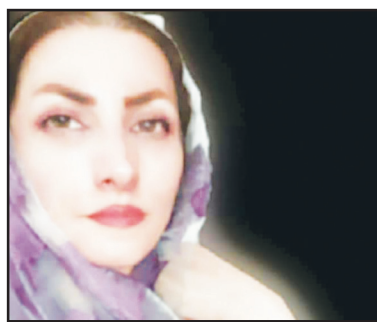
صدیق صنیعی

این بار
که به دیدنم آمدی
من را هم باخودت بیاور
اورا
تمام قد
پیش تو جا گذاشته ام



حسین فیض الهی (کاشف شوشتی)

ای ماهرخ که در خیالم ناز خفته ای
راز دل شکسته ام را با که گفته ای
شبها زباغ دفتر شعرم چه خوانده ای
کز شور عشق در سحر چون گل شکفته ای
فصل جدایی دلم با عشق تهمت است
این ناروا ز ناریفانم شفته ای
یاقوت سرخ سینه ام بشکسته ای به آه
دردانه ی دل مرا با اشک سفته ای
دیگر به عزم کشتن بیمار خود میا
جان را امان نمی دهد درد نهفته ای
در گاه دوست کاشفا اسباب کبریاست
این توتیا چرا به مژگانت نرفته ای



ثریا شجاعی اصل

شبی در خواب و بیداری بدیدم در گلستانم
به زیر بید مجنونی ؛ چقدر نالان و گریانم
نمی دانم در آن رویا کجا میرفت دل و جانم
چرا در باغ بنشستم چه شد حیران حیرانم
چرا گم کرده چشمانم برای کی غزلخوانم
به ناگه بلبلی آمد ؛ نشست بر روی گریبانم
بگفتم دلبر و مجنون مرا دیده ای جانم
بدو گفتم من لیلی از این دوری پریشانم
کنارش تا ابد هستم ؛ وفادارم به پیمانم
به مهتاب شب ماهش ؛ هنوزم غرق نیسانم



آرمین نوری

از دیده شهلا ی تو بس باده پرستم
از میکده عشق تو دیوانه و مستم
دیدم رخ زیبای تو را ساقی مهوش
بنگر که دل خویش گرو دادم و بستم
مستان همه از دختر رز مست و خمازند
من مست می باده و این جام الستم
برخیز و خرامان بنما قامت سروت
چون بهر تماشای تو ای ماه نشستم
در کعبه خلیل ار که شکست ان همه بت را
من لات و عزای دل دیوانه شکستم
بیهوده مران از در و مشکن دل نوری
جایی نرود تا که تو هستی و چو هستم



ایرج عسکری (پریشان)

هیچ کس بعد تو در این دل من جا نگرفت
جای خالی تو را در دل شیدا نگرفت
سال ها باغ دلم بی گل رویت پژمرد
سبزه در مزرعه ی خشک دلم پا نگرفت
سالیانی که گذشت و من و دل بار فراق
روزگاران ز دلم غصه و غم را نگرفت
جای های نفست مانده بر این شیشه دل
کسی از شیشه ی تبار دلم ،ها نگرفت
رفتی و بعد تو یک روز خوشی عمر ندید
خبری هم کسی از این دل تنها نگرفت
چه کنم با دل دیوانه خود بعد تو من؟
دست من دامن غیر از تو تمنّا نگرفت
رفتی و بعد تو گلدان دلم خورد ترک
جای خالی تو را این همه گل ها نگرفت
تا پریشان چه کند با دل پر درد و حزین؟
دلبرم رفت و سراغی ز دل ما نگرفت



لیلا خواجهزاده

تمام حجم تورا شعر نوشتم
تمام حجم تو یعنی
نبودنت
تمام حجم تو یعنی
ندیدنت

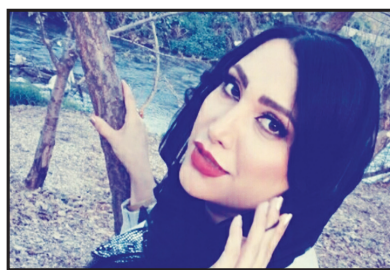
ومن چقدر کنار لحظه های بی تو
نشستم
ودانه ، دانه بغض ها را فرو خوردم
بگو، کنار کدام پنجره ی جمعه
بنشینم
که انتظار به بلوغ دستهای برسد
و چشمم از بی چراغی شهر
به ماه زودرس نگاهت برسد



شاعر : نسرين محمدی
مترجم : محمود شیربازو

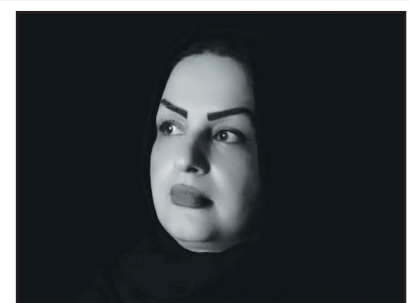
در همه می پاییز
هیچ برگی
رازش را نگه نداشت
وقتی تکرار
صحنه ی باران
اکران شد

بر پرده ی چشمانت
In the autumn frenzy
No leaves kept its secret!
When the repeat of the rain scene was shown
On the curtain of your eyes



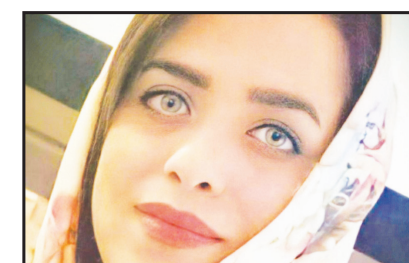
شاعر : شیرین بنیادیان
مترجم : محمود شیربازو

آب میشد
قند بوسه ات بر لب
سیب سرخی
گاز باید زد
The sweetness of your kiss
was melting on my lips
now I should bit
a red apple instead



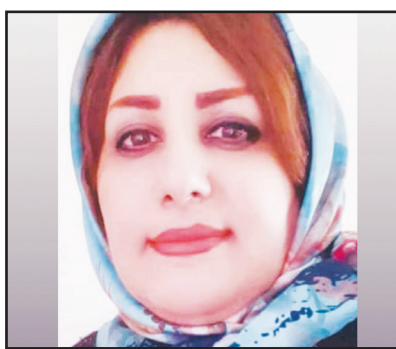
منیژه بختو (دینا)

پروانه می شوم
در دشت بی کران پونه های وحشی ...
با تو و بی تو ، بی قرارم
اینست اثبات دوست داشتنم ...
به هنگام پرواز در اوج آسمان خیالت
در کنارت
خلوتی از آغوش خواهم ساخت
بستری از گل های سرخ
و مستی بی انتها
حال ...
پرواز این دیوانه را به خاطر بسیار



فاطمه عطارزاده (گلرخ)

ساختاری سخت سوزنده سراسر سینه ام را می فشازد و
آهی بس کشنده بر سر بالین قلبم سایه می افشانند و من مات
و میبوتم!
عجب سرزنده و بی باک! چه طبعی رهگشا داشتم!
و اینک با سری آشفته من بی انتها ماتم و میبوتم!
چه آورد بر سرم این روزگار بی محبت؟ چه خواهد کرد آخر با
من تن خسته ی ناکام؟
نمی دانم! نمی دانم!



مهین نظیفی

امشب آسمان
برای باریدن
چشمان مرا پوشیده
ومی نالد
از دلی که بوی درد گرفته
دردی شبیه زندان و زنجیر
شبیبه داغی تازه
چکش حراج زده به تحملم
هر چقدر می بارم
به تحمل نمیرسم



منتظر داستان و اشعار شما هستیم
لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر
روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید.
ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است
و مطالب ارسالی برگشت داده نمی شود.
toloudaily@gmail.com
کارشناس (این شماره) سرویس ادبی-هنری: محمود شیربازو